

امری آینده، ساختی نادر در زبان‌های ایرانی

محمد مهدی اسماعیلی*

چکیده

وجه امری در کنار دو وجه اخباری و التزامی جزء مهمترین وجوه دستوری زبان‌های دنیا از جمله زبان‌های هندواروپایی است. گرچه فعل امری معمولاً برای مقوله زمان دستوری تصریف نمی‌شود، با این حال ساخت امری آینده در درصد کمی از زبان‌های جهان وجود دارد. این ساخت تا به حال بجز یکی دو مورد، یعنی زبان آسی و زبان سغدی، در هیچ‌یک از دیگر زبان‌های ایرانی (باستان، میانه و نو) گزارش نشده است. بررسی پیش‌رو مشخص می‌کند که ساخت امری آینده که از دید رده‌شناختی به لحاظ اجتماع وجه امری با زمان آینده موردی نادر محسوب می‌شود، در ابیانه‌ای یکی از زبان‌های فلات مرکزی ایران نیز وجود دارد. برای تصریف فعل امری آینده ابیانه‌ای وند [i-] به ستاک حال فعل متصل شده و پس از آن شناسه‌های فعلی قرار می‌گیرند و به این شکل از ساخت امری حال متمایز می‌شود. ولی در صورت منفی این ساخت یعنی نهی آینده از وند [-o] به جای وند مذکور استفاده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: وجه دستوری، امری آینده، زبان آسی، ابیانه‌ای، نشان‌داری

۱. مقدمه

وجه به‌همراه زمان دستوری و نمود از مهم‌ترین مشخصه‌های تصریفی یا مقوله‌های دستوری فعل در بندهای زمان‌دار است که کمابیش در همه زبان‌های دارای تصریف وجود

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران،
esmaaili@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱

دارد (84: Haspelmath and Sims, 2010). درحالی‌که زمان دستوری و نمود دو مشخصه‌ای هستند که با مفهوم زمان مرتبط‌اند و به همین دلیل ارتباط تنگاتنگ و بیشتری با هم دارند؛ ولی وجه فعلی با پرداختن به بیان درجه قطعیت گزاره‌ها، نظر گوینده را نسبت به میزان قطعی، احتمالی، شرطی یا امری بودن وقوع فعل بیان می‌کند (Velupillai, 2012: 194; Whaley, 1997: 203-205, 220). باوجوداین چون این سه مقوله از نظر معنایی کاملاً از هم جدا و مستقل نیستند و در برخی از زبان‌ها نیز توأمان با یک تصریف مشترک و واحد بر روی فعل نشانه‌گذاری می‌شوند؛ به همین دلیل گاه در برخی منابع (Booij, 2007: 133, 138; Haspelmath and Sims, 2010: 85) «زمان-نمود-وجه» (TAM/TMA) صحبت به میان می‌آید.

غالب زبان‌های دنیا از جمله زبان‌های کلاسیک و بیشتر زبان‌های نوی اروپا، دارای صیغگان و صورت‌های صرفی مستقل برای سه وجه اخباری (مقوله ختشی)، وجه التزامی (برای موقعیت‌های غیرواقعی و غیرقطعی) و امری (دستور یا فرمان) هستند (Bussmann, 229; Palmer, 1999: 765; Palmer, 1999: 765). ولی وجوه دستوری کم‌بسامدتر دیگری مانند شرطی، تمنّایی، دعایی (benedictive)، انشایی (injunctive)، ترغیبی (hortative)، فرمانی (jussive)، برداشتی یا استنباطی (inferential)، امکانی (potential) و تردیدی (dubitative) نیز در برخی زبان‌های دنیا مشاهده می‌شوند.

وجه امری همان‌گونه که گفته شد از جمله وجوهی است که تقریباً در همه زبان‌های دنیا یافت می‌شود. بااین‌وجود ساخت‌های امری به‌علت وضعیت خاص‌شان، از جمله گرایش به داشتن صورت‌های فعلی کوتاه و مختصر، نداشتن نشانگر خاص وجه امری و یا استفاده از ساخت التزامی و یا مصدری برای امر منفی یا نهی و ... برای محققین یک مسئله و معما بوده‌اند (Aikhenvald, 2010: 5). از دیگر ویژگی‌های مهم امری‌ها که موضوع مقاله حاضر هم به آن مربوط می‌شود، باید به مورد تصریف نشدن آنها برای مقولات دستوری زمان و نمود اشاره کرد. وجه امری معمولاً فاقد تصریف و ساختواژه‌ای است که در دیگر وجوه دیده می‌شود. به‌عبارت دیگر تمایزاتی مانند زمان یا نمود دستوری آن‌گونه‌که در دیگر وجوه دستوری دیده می‌شود، در فعل امری وجود ندارد (Aikhenvald, 2010: 5; Sadock and Zwicky, 1985: 172; Whaley, 1997: 222). سیداک و زویکی در مورد تمایزات دو مختصه تصریفی زمان و نمود دستوری گفته‌اند که تمایز زمان از هر نوعی در ساخت‌های امری زبان‌های دنیا در کل بسیار نادر است (ibid.). دلیل این موضوع این است که چون از نظر

معنایی فعل امری بیانگر دستور و درخواست انجام دادن کار و عملی از کسی است، پس منطقاً نمی‌تواند مربوط به زمان گذشته باشد و صرفاً به زمان آینده قریب‌الوقوع یا دور ارجاع و اشاره دارد (Lyons, 1977: 746-747; Haspelmath and Sims, 2010: 85). در زبان انگلیسی نیز امری‌ها نوعاً به موقعیتی در آینده نزدیک یا کمی دورتر اشاره دارند و در نتیجه کاربرد آنها در کنار قیده‌های زمان گذشته یا قیده‌های رساننده مفهوم عادت در تناقض است، مانند جمله‌های *come yesterday** و *usually drive your car** که نادستوری محسوب می‌شوند (Quirk et al., 1985: 828). تمایزات نمود دستوری گرچه قدری رایج‌ترند ولی آنها نیز غیرمعمول محسوب شده‌اند (Sadock and Zwicky, 1985: 172-173).

این موضوع باعث بروز یکی دیگر از ویژگی‌های امری‌ها شده است. از ویژگی‌های ظاهری ساخت امری در نیمی از زبان‌های جهان، استفاده از صورت‌های فعلی‌ای است که کمتر از حد معمول وند دارند، یعنی در واقع در این زبان‌ها صرفاً از ستاک یا پایه فعل بدون افزودن وند برای مفهوم امری استفاده می‌شود. به عبارت دیگر وجه امری در مقایسه با دو وجه اخباری و التزامی دارای تمایزهای تصریفی کمتری بوده و از این جهت نشان‌دارتر محسوب می‌شود.^۲ این راهکار را در تقریباً نیمی از زبان‌های بررسی شده مشاهده کرده‌اند (ibid.). در خیلی از زبان‌های هندواروپایی نیز ساخت‌های امری معمولاً کوتاه و خلاصه‌ترند و نشانگر صوری و تصریفی ندارند. مثلاً صورت امری حال مصدر لاتین *amāre* «دوست داشتن» می‌شود *amā!* «دوست داشته باش».

در مجموع ویژگی‌های خاص امری به خصوص در زبان‌های خانواده هندواروپایی مانند مواردی همچون کامل نبودن صیغگان آن به دلیل تصریف فقط برای زمان حال (و نه گذشته و آینده) و نیز برای دوم شخص^۳، همچنین داشتن صورت‌های تصریفی کوتاه‌تر (نسبت به دیگر اعضای صیغگان) باعث شده است که در آثار مختلف فعل امری را ساختی ناقص یا ابتدایی (primitive) محسوب کنند و حتی در وجه بودن آنها تردید داشته باشند (Aikhenvald, 2010: 405). واتکینز (Watkins, 1963: 44) نیز در توضیح ساخت صیغه دوم شخص فعل امری زبان ایرلندی باستان، امری را ساختی ماهیتاً برون‌دستوری (extragrammatical)، برون‌نحوی (extrasyntactical) و شبه‌جمله‌نما (quasi-interjection) توصیف کرده است که نمی‌تواند با مقولات دستوری مثل شخص، شمار یا مقولات نحوی مثل منفی‌سازی ترکیب شود. ولی با گسترش تحقیقات بعدی و بررسی زبان‌های قبلاً کمتر شناخته شده از دیگر خانواده‌های زبانی در دیگر نقاط جهان، به خصوص زبان‌های

بومی آمریکا، مشخص شد که ویژگی‌های فعل امری مذکور در بالا جهانی نیستند و افسانه ابتدایی بودن آنها صحّت ندارد. در برخی از زبان‌های این مناطق فعل امری مانند دیگر وجوه دستوری دارای صیغگان و تصریف کامل است و می‌تواند تمایزاتی مانند زمان و نمود و شخص و شمار را نشان بدهد، یعنی زمان آینده و تمایزات نمودی دارد و بجز دو صیغه دوم شخص مفرد و جمع برای دیگر شخص‌ها نیز صرف می‌شود (Aikhenvald, 2010: 5).

با همه این تفاسیر در مجموع، ساخت امری آینده (future imperative) که در منابع مختلف آن را با عنوان‌های دیگری مانند امری تأخیری (delayed)، امری دور (remote)، امری پسین (posterior)، امری جابجاشده (displaced)، امری پیاپندی (sequential) نیز نامیده‌اند، از دید رده‌شناختی ساختی نادر و کم‌بسامد و نشان‌دار محسوب می‌شود (Aikhenvald, 2010: 76). گوسف (Gusev, 2005: 78; as cited in Vydrin, 2013: 76) امری آینده را فقط در حدود ۷ یا ۸ درصد از زبان‌های دنیا گزارش کرده است. از زبان‌های هندواروپایی این ساخت فقط در سه زبان کهن و مرده لاتین، سنسکریت و یونانی وجود داشته است و ظاهراً در هیچیک از زبان‌های هندواروپایی نوی رایج در قاره اروپا دیده نمی‌شود.

موضوع این مقاله بررسی ساخت امری آینده در زبان‌های ایرانی است. طبق تحقیقاتی که تابه‌حال درباره زبان‌های ایرانی (باستان تا نو) انجام گرفته، فعل امری آینده ظاهراً فقط در دو زبان سغدی و آسی گزارش شده است. دیگر موضوع این مقاله گزارش و توصیف ساخت امری آینده در زبان ایبانه‌ای از مجموعه زبان‌های فلات مرکزی ایران است که قبلاً به آن اشاره و توجه چندانی نشده است. شایان ذکر است که داده‌های ارائه‌شده مربوط به ایبانه‌ای در بخش بحث و تحلیل داده‌های مقاله، تماماً نتیجه تحقیق میدانی نگارنده و برگرفته از پیکره زبانی است که در طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ گردآوری کرده است.

۲. پیشینه تحقیق

اولین گزارش از وجود ساخت امری آینده در کنار امری حال، ظاهراً مربوط به ساپیر (Sapir, 1922: 157-158; as cited in Mithun, 1999: 153-154) است. او در توصیف زبان تاکلما (Takelma) از زبان‌های بومی آمریکا (رایج در جنوب غرب ایالت آریگن) برای این زبان در کنار پنج ساخت آئوریست (معادل با آینده نزدیک، حال و گذشته)، آینده، برداشتی،

امکانی و امری حال به ساخت فعلی امری آینده نیز اشاره می‌کند. با گسترش تحقیقات بعدی مشخص شد که این ساخت در تعدادی از دیگر زبان‌های آن قاره هم وجود دارد، مانند شاهد زیر از زبان توکانو (Tucano) رایج در کلمبیا و برزیل، که این تمایز را نشان می‌دهد (West, 1980: 51):

(1)	ba'á-ya eat.IMP	«(الان) بخور»
(2)	ba'á-apa eat-FUT.IMP	«(بعداً) بخور»

البته ساخت امری آینده مذکور در این زبان‌ها، گهگاه برای بیان صورت مؤدبانه‌تر دستور یا فرمان نیز به‌کار می‌رود (Aikhenvald, 2010: 130; Velupillai, 2012: 363). علاوه بر زبان‌های بومی قاره آمریکا که بیشترین گزارش‌ها از فعل امری آینده متعلق به آنجا است، در برخی از دیگر زبان‌های دنیا نیز این ساخت مشاهده و گزارش شده است، از جمله زبان ناخ (Nakh) از گروه زبان‌های قفقازی شرقی (Daniel and Lander, 2011: 140) یا زبان اونکی (Evenki) از خانواده زبانی تونگوسی (Tungusic) (Aikhenvald, 2010: 50-51).

گرچه امروزه در هیچ‌یک از زبان‌های هندواروپایی^۴ نوی رایج در اروپا ساخت خاصی برای امری آینده دیده نمی‌شود؛ ولی از بین زبان‌های کهن هندواروپایی، وجود این ساخت تنها در سه زبان لاتین، سنسکریت و یونانی باستان گزارش شده است.^۵ کاربرد امری آینده در لاتین نسبت به دو زبان دیگر ظاهراً بیشتر بوده است، چون بیشترین مثال‌های امری آینده مربوط به این زبان است. پسوند [-tōd] متداول‌ترین شناسه امری آینده در لاتین باستان بوده که از حدود سال ۲۰۰ پیش از میلاد به بعد، با حذف همخوان پایانی، در لاتین کلاسیک به صورت [-tō] ظاهر شده است. این شناسه علاوه بر دوم شخص مفرد، برای صیغه سوم شخص مفرد هم به کار می‌رفته است. شناسه دوم شخص جمع [-tōte] (> [-tō(d)-te]) نیز نتیجه پیوستن شناسه امری حال [-te] به این پسوند بوده است (Beekes, 2011: 276-277; Kapović, 2017: 103-104; Szemerényi, 1953: 937-954; idem, 1996: 247-248; Whitney, 2003 [1896]: 213-214). جدول زیر تصریف امری آینده فعل «دادن» را در زبان لاتین نشان می‌دهد:

جدول ۱: صیغگان امری حال و امری آینده فعل «دادن» در لاتین

	امری حال		امری آینده	
	معلوم	مجهول	معلوم	مجهول
م ^۲	dā	da-re	da-tō	da-tor
م ^۳	-	-	da-tō	da-tor
ج ^۲	da-te	da-minī	da-tōte	-
ج ^۳	-	-	da-ntō	da-ntor

تفاوت معنایی ساخت امری آینده با امری حال در جمله زیر^۶ از پلاوتوس (Plautus) نمایشنامه‌نویس رومی قرن ۳ و ۲ پیش از میلاد مشهود است (Szemerényi, 1996: 248):

(3)	tū	epistul-am	hanc	a	mē
	you.NOM.SG	letter-ACC.SG	this.ACC.SG	from	me.ABL
	accip-e	atque	illī	da-tō	
	take-IMP.2SG	and	him.DAT	give-FUT.IMP.2SG	

«تو این نامه را از من (الان) بگیر و به او (بعدها) بده»

در سنسکریت نیز امری آینده وجود داشته که با افزوده شدن پسوند [-tāt] به ستاک فعل، برای هر سه صیغه دوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد و دوم شخص جمع ساخته می‌شده است. البته بارو (Burrow, 1955: 349) و سایلر (Sihler, 1995: 604) کاربرد این ساخت را که نسبت به دو جهت معلوم و میانه حساس نبوده، بیشتر برای صورت دوم شخص مفرد می‌دانند، مانند brū-tāt «بگو»، dhāva-tāt «بدو»، vit-tāt «بدان» (به ترتیب از ریشه‌های فعلی brū- «گفتن»، dhāv- «دویدن»، vid- «دانستن»). ولی در گونه زبانی متأخرتر سنسکریت به تدریج استفاده از آن برای صیغه سوم شخص مفرد فزونی می‌گیرد، اگرچه در کل مجموعه مثال‌های این ساخت در مقایسه با متون کهن‌تر کمتر می‌شود. در دو جمله زیر^۷ (Burrow, 1955: 349) کاربرد این ساخت برای صورت سوم شخص مفرد و دوم شخص جمع نشان داده شده است:

(4)	rājā	mūrdhān-am	vī	pāt-aya-tāt
	king.NOM.SG	head-ACC.SG	PREV	fall off.CAUS-IMP.FUT.3SG
				«شاه سر[ش] را بکند»
(5)	āpaḥ	devésu	naḥ	sukṛto
	water.VOC.PL	god.LOC.PL	us	well-doer.ACC.PL
				brū-tāt
				say-2PL.IMP.FUT

امری آینده، ساختی نادر در زبان‌های ایرانی ۷

«ای آبها! به خدایان ما را نیکوکار اعلام کنید»
جدول زیر نیز تصریف امری آینده فعل «رفتن» را در مقایسه با امری ساده آن، در دو زبان لاتین و سنسکریت نشان می‌دهد:

جدول ۲: امری حال و آینده «رفتن» در لاتین و سنسکریت (Beekes, 2011: 276)

سنسکریت		لاتین	
امری ساده	امری آینده	امری ساده	امری آینده
م ^۲ i-hí	i-tát	ī	ī-tō
م ^۳ é-tu	i-tát	-	ī-tō
ج ^۲ i-tá	i-tát	ī-te	ī-tōte
ج ^۳ y-ántu	-	-	e-untō

براساس شباهت‌های مذکور بین این زبان‌ها، برخی محققان (Beekes, 2011: 276-277; Kapović, 2017: 103-104) ضمن قائل شدن به وجود این ساخت در زبان هندواروپایی آغازین، پسوند امری آینده را به صورت [*-tōd] (در اصل حالت ازی مفرد ضمیر اشاره *to- «آن») بازسازی کرده‌اند.^۱ به عبارت دیگر این ضمیر اشاره به تدریج با پیوستن به فعل به صورت یک وند تصریفی درآمده است (با تغییر معنایی «از آن» به «از آن وقت» و به «سپس/بعدها»). البته سایلر (Sihler, 1995: 604) و کاپوویچ (Kapović, 2017: 103-104) معتقدند این ریشه‌شناسی درست نیست چراکه حالت ازی مفرد ضمیر مذکور *tōsmōt (قس سنسکریت ودایی tōsmāt) بوده است نه *tod. در جدول ۳ صورت هندواروپایی آغازین بازسازی شده دو فعل «بودن» و «بردن» ارائه شده است:

جدول ۳: امری آینده دو فعل «بودن» و «بردن» در هندواروپایی آغازین (Szemerényi, 1996: 248-249)

	غیر ستاکی	ستاکی (تماتیک)
م ^۲	*es-tōd	*b ^h eretōd < *b ^h ere-tōd
م ^۳	*es-tōd	*b ^h eretōd < *b ^h eret-tōd
ج ^۲	*es-tōd	*b ^h eretōd < *b ^h erete-tōd
ج ^۳	*s-entōd	*b ^h erontōd < *b ^h eront-tōd

سیمرنی (۱۹۵۳: ۹۳۷) (Szemerényi, 1953: 937) نکته غیرعادی این ساخت را کاربرد یک پسوند واحد برای سه صیغه دوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد و حتی صیغه جمع

ذکر کرده است. به باور ویتنی (Whitney, 2003 [1896]: 214) ساخت امری آینده در گویش کهن‌تر سنسکریت یعنی سنسکریت ودایی به این دلیل که حدود ۵۰ ریشه فعلی با بسامد ۱۵۰ بار رخداد به این وجه صرف شده‌اند، خیلی نادر نبوده است؛ ولی در متون متأخرتر سنسکریت امری آینده بسیار نادر است، به طوری که در هریک از دو متن مهابهاراتا و رامایانا تنها یک مثال از این ساخت دیده می‌شود. ویتنی (ibid.) همچنین عنوان می‌کند که به عقیده دستورنویسان بومی هند، این ساخت معنی دعایی (benedictive implication) داشته است. کاردونا (Cardona, 2003: 132) نیز به معنی آرزویی این ساخت اشاره کرده است مانند صورت «زنده باشی» (Wallace, 2017: 338) نیز کاربرد ساخت امری آینده لاتین را منحصر به متون قضایی و حقوقی ذکر کرده است.

یادآوری می‌شود که بازسازی و در نظر گرفتن ساخت امری آینده برای هندواروپایی آغازین در حالی است که طبق اظهار نظر برخی از همین محققان، چون ساخت‌هایی که برای نشان دادن زمان آینده ساده در زبان‌های دختر آن به کار می‌روند، با یکدیگر تفاوت و اختلاف بسیار زیادی دارند، زبان هندواروپایی آغازین اصلاً فاقد زمان آینده بوده است (Beekes, 2011: 252; Kapović, 2017: 61, 92, 162).

علاوه بر این زبان‌ها، امری آینده در تعدادی از زبان‌های هندوآریایی نوبی رایج در شبه‌قاره هند، از جمله بنگالی، آسامی (Assamese)، مایتهیلی (Maithili)، گجراتی (Gujarati)، سندهی (Sindhi) و پنجابی (Punjabi) وجود دارد (Masica, 1991: 476). به عنوان مثال امری آینده در سه زبان مایتهیلی، ماگاهی (Magahi)، بهوجپوری (Bhojpuri) با افزودن پسوند [-ih] ولی در بنگالی باوند /-io/ ساخته می‌شود (Yadav, 2003: 488; Verma, 2003: 511; Verma, 2003: 356; Dasgupta, 2003: 531). از دیگر تفاوت‌های ساخت امری آینده با امری حال در بنگالی این است که فقط امری آینده منفی می‌شود ولی صورت منفی امری حال وجود ندارد (Klaiman, 2009: 428).

۳. توصیف و تحلیل داده‌های زبان‌های ایرانی

از میان زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه ظاهراً فقط سغدی ساخت امری آینده داشته است. یوشیدا (Yoshida, 2009: 300, 305) بدون ارائه مثالی برای امری آینده، صرفاً عنوان کرده که ادات kām- با حرف نویسی <k'm>، علاوه بر وجه اخباری، گهگاه با اضافه شدن به صورت‌های وجوه التزامی، تمنایی و نیز امری برای بیان مفهوم آینده به کار رفته است.

گرشویچ (Gershevitch, 1954: 115) با اشاره به این موضوع صرفاً یک مثال^۹ از تمنایی-امری آینده از متن وستتره‌جاتکه (Vessantara Jātaka) آورده است:

(6)	na	xōyž-ēθ	kām	«نخواهید (درخواست نکنید)»
	NEG	ask-2PL.IMP/OPT	FUT	

قریب (۱۳۷۲: ۲۱) نیز فقط دو مثال برای امری آینده زبان سعیدی ارائه کرده است که یکی از آنها با مثال گرشویچ در بالا مشترک است.

ولی از بین زبان‌های ایرانی دوره نو، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، تا به حال فقط زبان آسی را دارای این ساخت معرفی کرده‌اند (Abaev, 1964: 42, 65, 82; Vydrin, 2013: 2). ویدرین (ibid.) از جمله ویژگی‌های زبان آسی که در بین زبان‌های ایرانی نو استثنایی و خاص محسوب می‌شود، به وجود ساخت امری آینده (که آن را «امری تأخیری» نامیده) و نیز صورت سوم شخص مفرد امری اشاره کرده است. او (ibid.) امری آینده را درکنار دو مشخصه دیگر یعنی غیرشخصی فعلی (verbal impersonal) و گذرای صرفی (morphological transitivity)، از جمله مشخصه‌هایی ذکر می‌کند که نه جزء مشخصه‌های زبان‌های ایرانی است و نه زبان‌های قفقازی.

طبق توصیف آبایف^{۱۰} (Abaev, 1964: 42, 45, 65-66, 82) امری آینده آسی با افزوده شدن ادات iw به صورت‌های فعل امری حال حاصل می‌شود. او ضمن اشاره به ترکیبی (periphrastic) بودن ساخت امری آینده، کاربرد آن را بسیار متداول دانسته است. جدول زیر صیغگان امری آینده و امری حال فعل «ریختن» را نشان می‌دهد (صورت دوم شخص مفرد معمولاً همان ستاک حال فعل است):

جدول ۴: امری آینده و امری حال فعل kal-in «ریختن» (Abaev, 1964: 53-54)

	امری حال		امری آینده	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
دوم شخص	kal	kal-ut	kal-iw	kal-ut-iw
سوم شخص	kal-əd	kal-ənt	kal-əd-iw	kal-ənt-iw

آبایف (idem: 42, 65, 82) تکواژ iw را ادات محسوب کرده و آن را غالباً متصل به فعل و در چند مورد هم جدا از فعل نشان داده است. شاهد زیر (idem: 42) نشان می‌دهد که این

تکواژ می‌تواند پس از ضمیر پی‌بستی هم قرار بگیرد (البته آبیاف باین که اصطلاح ضمائر پی‌بستی را به کار برده، ولی تقریباً همیشه این ضمائر را جدا از کلمات میزبان‌شان نشان داده است):

(7)	ʒəɣ	m	«بهبش بگو (الآن)»
	tell.2SG.IMP	him.DAT	
(8)	ʒəɣ	m-iw	«بهبش بگو (بعداً)»
	tell.2SG.IMP	him.DAT-IMP.FUT	

ولی ویدرین (6: 2013, Vydrin) تکواژ مذکور را واژه‌بست دانسته، اگرچه ضمن ارائه یک مثال زیر که در آن iw پیش از فعل واقع شده، وضعیت پی‌بست یا پیش‌بست بودن تکواژ مذکور را مشخص نکرده است:

(9)	ʃivəllə-tt-ə	kuɪ	ra-ʃqal	woj	wəd
	child-PL-NOM	when	PREF-awake	be.SBJV.3PL	then
	=sm	iw	ba-χər-in	kən	
	3PLENCL.DAT	IMP.FUT	PREF-eat.PRS-INF	do.IMP.2SG	

«وقتی بچه‌ها بیدار شدند، بهشان غذا بده»

یوب و شِفر (817: 2009, Job and Schäfer) که این ساخت را به‌جای امری آینده، آینده امری (imperative future) نامیده‌اند، اشاره‌ای به ادات یا واژه‌بست بودن این تکواژ نکرده‌اند. هتیچ (2002, Hettich) نیز که ظاهراً جدیدترین اثر دربارهٔ آسی محسوب می‌شود، اصلاً هیچ اشاره‌ای به این ساخت و این تکواژ نکرده است. بنونیست (49: 1959, Benveniste) این ادات را که تلفظ آن در گویش دیگوری jew است، مشتق از *aiva- (قس پهلوی ham-ēv) و مشتق از صورت کهن تر -āyu-/yu- می‌داند، ولی توردارسون (475-476: 1989, Thordarson) آن را قابل مقایسه با واژه اوستایی -yauuaē در نظر گرفته است. امری آینده صورت منفی خاصی ندارد و مانند امری حال با ادات ma منفی می‌شود (80: 1964, Abaev).

شایان ذکر است که ادات iw برای نشان دادن نمود تکریری (iterative) و عاداتی (در همهٔ زمان‌ها) نیز به‌کار می‌رود (82, 65, 45: 1964, Abaev). در این مفهوم می‌تواند هم پیش از فعل و هم پس از فعل قرار بگیرد، مانند دو مثال زیر (idem: 45):

(10)	əʒ-iw	ʃɪf-t-on	«من می‌نوشتم (از روی عادت)»
	I-ITER	write-PST-1SG.IND.TR	
(11)	əʒ	ʃɪf-t-on-iw	«من می‌نوشتم (از روی عادت)»
	I	write-PST-1SG.IND.TR-ITER	

آبایف (idem: 65) همچنین ذکر می‌کند که به دلیل آن‌که ادات iw در دو معنی به‌کار می‌رود، یکی مفهوم امری آینده و دومی مفهوم تکرار و عادت، گاهی این موضوع باعث ابهام می‌شود که کدامیک از دو معنی مد نظر است. این ابهام معمولاً به‌واسطهٔ بافت از بین می‌رود، مانند مثال زیر:

(12)	argəvd-iw	χift-ən	nə	qug
	slaughter.IMP.2SG-FUT	funeral feast-DAT	our	cow.ACC

«گاو مان را برای مراسم تدفین ذبح کن (بعداً)»

در جملهٔ ۱۲ مسلماً منظور تکرار عمل نیست، چون فقط یک گاو وجود دارد (idem: 66).

از ویژگی‌های وجه امری در ابیانه‌ای نیز وجود دو ساخت مختلف امری حال و امری آینده است. لُکوک (Lecoq, 1974: 57; idem, 2002: 172-173) اولین محقق‌ی است که اشاره‌ای کوتاه به وجود ساخت امری آینده در ابیانه‌ای از گروه زبان‌های مرکزی ایران کرده است. در پیکرهٔ زبانی او که شامل ۲۵ داستان است تنها دو مثال از این ساخت مشاهده می‌شود. نگارندهٔ مقالهٔ حاضر در تحقیق میدانی خود دربارهٔ ابیانه‌ای، در ابتدا بدون اطلاع از ذکر این مطلب توسط لُکوک، جداگانه متوجه وجود ساخت امری آیندهٔ تصریفی و کاربرد آن در این زبان شد. ساخت امری آیندهٔ ابیانه‌ای با افزودن وند [-i] پس از ستاک حال فعل و پیش از شناسهٔ فعلی به دست می‌آید. بنابراین قاعدهٔ ساخت امری آینده را می‌توان به این شرح دانست:

پیشوند ba- (نشانهٔ امری) + ستاک حال + وند [-i] (نشانهٔ امری آینده) + شناسهٔ فعلی.

در مثال‌های ۱۳ و ۱۴ صیغگان امری حال و امری آیندهٔ فعل hōttan «خوابیدن» ارائه شده است.

(13)	ba-hø̯s-∅	«بخواب (الآن)»
	IMP-sleep.PRES-2SG	
	ba-hø̯s-ija	«بخوابید (الآن)»
	IMP-sleep.PRES-2PL	
(14)	ba-hø̯s-ij-a	«بخواب (بعداً)»
	IMP-sleep.PRES-FUT.IMP-2SG	
	ba-hø̯s-ij-ija	«بخوابید (بعداً)»
	IMP-sleep.PRES-FUT.IMP-2PL	

مثال‌های ۱۵ و ۱۶ که صیغگان امری حال و امری آینده فعل *χardan* «خوردن» است، نشان می‌دهد در صورت وجود واج لرزشی در پایان ستاک حال (و همچنین در پایان واژه)، این واج حذف شده و واکه قبل از آن پسین می‌شود:

- | | | |
|------|--------------------------|------------------|
| (15) | ba-χa (<*ba-χar-∅) | «بخور (الآن)» |
| | IMP-eat.PRES.2SG | |
| | ba-χar-ija | «بخورید (الآن)» |
| | IMP-eat.PRES.2PL | |
| (16) | ba-χar-ijf-a | «بخور (بعداً)» |
| | IMP-eat.PRES-FUT.IMP-2SG | |
| | ba-χar-ijf-ija | «بخورید (بعداً)» |
| | IMP-eat.PRES-FUT.IMP-2PL | |

در مثال‌های ۱۷ تا ۲۰ صیغگان امری حال و امری آینده دو فعل *fəjan* «رفتن» و *veftəjan* «ایستادن» آورده شده است. در این مثال‌ها شناسه صورت دوم شخص مفرد امری حال پسوند [-a] است:

- | | | |
|------|-----------------------------|-------------------|
| (17) | ba-f-a | «برو (الآن)» |
| | IMP-go.PRES.2SG | |
| | ba-f-ija | «بروید (الآن)» |
| | IMP-go.PRES.2PL | |
| (18) | ba-f-ijf-a | «برو (بعداً)» |
| | IMP-go.PRES-FUT.IMP-2SG | |
| | ba-f-ijf-ija | «بروید (بعداً)» |
| | IMP-go.PRES-FUT.IMP-2PL | |
| (19) | v-eft-a | «بایست (الآن)» |
| | PREV-stand.PRES.2SG | |
| | v-eft-ija | «بایستید (الآن)» |
| | PREV-stand.PRES.2PL | |
| (20) | v-eft-ijf-a | «بایست (بعداً)» |
| | PREV-stand.PRES-FUT.IMP-2SG | |
| | v-eft-ijf-ija | «بایستید (بعداً)» |
| | PREV-stand.PRES-FUT.IMP-2PL | |

مقایسه صیغگان بالا نشان می‌دهد که تنها تفاوت میان تصریف امری آینده و امری حال، مربوط به قرار گرفتن وند آینده‌ساز بین ستاک حال فعل و شناسه‌های فعلی است. ضمناً همان‌گونه که در صیغگان چهار فعل بالا مشاهده می‌شود، شناسه فعلی صورت دوم شخص مفرد امری آینده [-a] است. ولی شناسه دوم شخص مفرد امری حال دو تکواژگونه دارد:

امری آینده، ساختی نادر در زبان‌های ایرانی ۱۳

شناسه اصلی تکواژ صفر است (مثال‌های ۱۳ و ۱۵) و تکواژگونه [-a] برای جلوگیری از تشکیل صورت فعلی تک‌هجایی به‌کار می‌رود (مثال‌های ۱۷ و ۱۹).

جدول ۵: شناسه‌های امری آینده و امری حال ایبانه‌ای

	امری حال		امری آینده	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
دوم شخص	-∅/-a	-ija	-a	-ija

مثال‌های زیر که مستخرج از پیکره زبانی گردآوری شده توسط نگارنده است، کاربرد

فعل امری آینده را در جمله نشان می‌دهند:

- (21) ?az kə ba-mard-on pə tɒbyt dar=əm
 I when PFV-die.PAST-1SG under coffin in=my
 v-eft-if-a, birɒm hɒ-tʃin-if-a
 PREV-stand-FUT.IMP-2SG for=me PREV-sit-FUT.IMP-2SG
- «من که مُردم، پایِ تابوتم بایست، برایم بنشین (= شب‌های جمعه برای خواندن فاتحه کنار قبرم بنشین)»
- (22) fɒm b-ur-if-a ka hama
 (to)night IMP-come.IMP-FUT.IMP-2SG home.POSS our
 var jə mɒxʃ-a=mi va-nømys-iman
 beside together homework-PL=our SBJV-write.PRES-1PL
- «شب بیا خانه ما، پهلوی هم مشق‌هایمان را بنویسیم»
- (23) ?efav ʔinda ba-mun-ija hajə
 tonight here IMP-stay.PRES-2PL tomorrow
 ba-f-if-ija kaja=ji
 IMP-go.PRES-FUT.IMP-2PL home=your
- «امشب اینجا بمانید، فردا بروید خانه‌تان»
- (24) ?efav sa tɒman=fi h-i-d-if-a
 tonight 3 tuman=3PL.DAT PREV-to-give.PRES-FUT.IMP-2SG
- «امشب سه تومان بهشان بده»
- (25) nyja kə=ft-i b-i-vɔdʒ-if-a
 there whenever=go.PAST-2SG IMP-to-say.PRES-FUT.IMP-2SG

(26) harvaxt f-e madrasa vɑdʒ ba man
 whenever go.PRES-2SG school call to me.DAT
 kar-if-a
 do.PRES-FUT.IMP-2SG

«آنجا که رفتی، بهش بگو»

(27) vaxte va-gell-ɔ-[j]i vara kaja=ʒi
 when PREV-return.PRES-PAST-2SG towards home=your
 nen zun-b-if-a kə nema tʃeʃa
 this know.PRES-be.PRES-FUT.IMP-2SG that these things
 hamø ʔun ta=ʔanda
 all belongs to your=are

«هروقت می‌روی (رفتی) مدرسه، من را صدا کن»

«وقتی برگشتی سمت خانه‌تان، این را بدان (بدان باش) که این چیزها همه مال تو اند»
 مثال زیر امکان کاربرد همزمان امری آینده با آینده اخباری را نشان می‌دهد:

(28) ʔaz hajə kaja va kəm=əm bə tə=ɖi
 I tomorrow home at FUT.AUX=1SG be.INF you=also
 b-ur-if-a ba=j-vin-if-a
 IMP-come.IMP-FUT.IMP-2SG IMP=him-see.PRES-FUT.IMP-2SG

«من فردا خانه‌ام (خانه خواهم بود)، تو هم بیا ببینش»

نکته درخور توجه مهم دیگر، صورت منفی این ساخت است که لُکوک (ibid.) اشاره‌ای به آن نکرده است. برای صورت بندی ساخت نهی آینده، به جای پسوند [ʔ-]، پسوند [-ɔ] به ستاک حال فعل و پیش از شناسه فعلی افزوده می‌شود. در زیر قاعده ساخت نهی آینده به همراه قاعده ساخت نهی حال برای مقایسه آنها با همدیگر ارائه شده است:
 نهی آینده = پیشوند نفی -na + ستاک حال + وند ɔ- (نشانه نهی آینده) + شناسه فعلی.
 نهی حال = پیشوند نهی -ma + ستاک حال + شناسه فعلی.

در مثال‌های ۲۹ تا ۳۶ صیغگان نهی آینده و نهی حال چهار فعلی که صورت امری آنها قبلاً در مثال‌های ۱۳ تا ۲۰ معرفی شد، ارائه شده است:

(29) ma-həs-ø «نخواب (الآن)»

	PROH-sleep.PRES-2SG ma-hø̄s-ija	«نخوابید (الآن)»
(30)	PROH-sleep.PRES-2PL na-hø̄s-ɔ-∅	«نخواب (بعداً)»
	NEG-sleep.PRES-FUT.IMP-2SG na-hø̄s-ɔ-[ʔ]ija	«نخوابید (بعداً)»
(31)	NEG-sleep.PRES-FUT.IMP-2PL ma-χa (< *ma- χar-∅)	«نخور (الآن)»
	PROH-eat.PRES.2SG ma-χar-ija	«نخورید (الآن)»
(32)	PROH-eat.PRES-2PL na-χar-ɔ-∅	«نخور (بعداً)»
	NEG-eat.PRES-FUT.IMP-2SG na-χar-ɔ-[ʔ]ija	«نخورید (بعداً)»
(33)	NEG-eat.PRES-FUT.IMP-2PL ma-f-a	«نرو (الآن)»
	PROH-stand.PRES-2SG ma-f-ija	«نروید (الآن)»
(34)	PROH-stand.PRES-2PL na-f-ɔ-∅	«نرو (بعداً)»
	NEG-stand.PRES-FUT.IMP-2SG na-f-ɔ-[ʔ]ija	«نروید (بعداً)»
	NEG-stand.PRES-FUT.IMP-2PL	

همانگونه که در دو مثال ۳۵ و ۳۶ مشاهده می‌شود، در فعل پیشوندی veftojan

«ایستادن» نشانه نهی بعد از پیشوند اشتقاقی فعل قرار می‌گیرد:

(35)	va-m-eft-a	«نایست (الآن)»
	PREV-PROH-stand.PRES-2SG va-m-eft-ija	«نایستید (الآن)»
(36)	PREV-PROH-stand.PRES-2PL va-n-eft-ɔ-∅	«نایست (بعداً)»
	PREV-NEG-stand.PRES-FUT.IMP-2SG va-n-eft-ɔ-[ʔ]ija	«نایستید (بعداً)»
	PREV-NEG-stand.PRES-FUT.IMP-2PL	

در صیغگان نهی آینده و نهی حال فعل ammajan «آمدن» صورت‌های تکمیلی وجود

دارد:

(37)	m-ur-a	«نیا (الآن)»
	PROH-come.PRES-2SG m-ur-ija	«نیاید (الآن)»
	PROH-come.PRES-2PL	

(38)	na-h-o-∅	«نیا (بعداً)»
		NEG-come.PRES-FUT.IMP-2SG
	na-h-o-[ʔ]ija	«نیاید (بعداً)»
		NEG-come.PRES-FUT.IMP-2PL

همانگونه که دیده می‌شود ستاک h- فقط در ساخت نهی آینده کاربرد دارد ولی از ستاک u- در بقیه ساخت‌ها (یعنی امری حال و آینده به علاوه نهی حال) استفاده می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

چنانچه پیشتر هم ذکر شد تصریف نشدن برای مقوله زمان دستوری یکی از ویژگی‌های بارز فعل امری در غالب زبان‌های دنیا محسوب می‌شود. به عبارت دیگر ساخت‌های امری غالباً تمایز مقوله زمان دستوری و نمود را در مقایسه با دیگر وجوه دستوری کمتر منعکس می‌کنند یا اصلاً منعکس نمی‌کنند. مطابق با اصل تصویرگونگی در دستور زبان، بی‌نشان‌ترین صورت امری در یک زبان آن است که احتمالاً به بلافاصله انجام گرفتن یک عمل توسط یک شخص اشاره بکند، پس در نتیجه امری آینده از دید رده‌شناختی، ساختی نادر و کم‌سامد و نشان‌دار محسوب می‌شود. نشان‌داری این ساخت را بررسی‌های آماری هم در خانواده زبان‌های هندواروپایی و هم در دیگر خانواده‌های زبانی جهان نشان می‌دهد.

در این مقاله وضعیت ساخت امری آینده در دو زبان سغدی و آسی، متعلق به گروه زبان‌های ایرانی شرقی مورد بررسی قرار گرفت. توصیف این ساخت فعلی در زبان ابیانه‌ای نیز از دیگر موضوعات مطرح شده و قابل توجه در این بررسی بود. عنوان شد که طبق تحقیق نگارنده، ابیانه‌ای احتمالاً شاید تنها زبان ایرانی نوی رایج در ایران باشد که دارای ساخت امری آینده است. البته این نتیجه‌گیری به دلیل آن‌که هنوز بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو دقیقاً بررسی نشده‌اند و چه بسا در این زبان‌ها چنین ساختی وجود داشته باشد، قطعیت ندارد. ساخت امری آینده ابیانه‌ای که ساختی تصریفی با استفاده از وندافزایی است، با افزودن وند آینده‌ساز [i-] میان ستاک حال و شناسه فعل شکل می‌گیرد و از این جهت به لحاظ ساخت با دو زبان سغدی و آسی که نشانه آینده‌سازشان به صورت ادات یا پی‌بست پس از صورت صرف‌شده فعل می‌آید متفاوت است. از آنجایی که چنین ساختی یا مشابه با آن، ظاهراً در پیشینه زبان‌های ایرانی غربی دیده نمی‌شود، وجود ساخت مذکور را در این گویش می‌توان نتیجه نوآوری زبانی دانست. این مطلب نقش نوآوری را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تحولات زبانی نشان می‌دهد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد مسئله تأثیرپذیری از زبان‌های دیگر است. ماتراس (Matras, 2007: 46) برای تغییر مشخصه زمان-وجه-نمود در اثر تأثیرپذیری از دیگر زبان‌ها سلسله‌مراتب زیر را ارائه کرده است:

(دیگر زمان‌ها) > زمان آینده > نمود > وجه

براساس این سلسله‌مراتب مشخصه‌های سمت چپ از لحاظ تأثیر پذیرفتن از دیگر زبان‌ها و تغییرپذیری مستعدتر هستند. به بیان دیگر احتمال این‌که وجه دستوری در اثر تأثیر گرفتن از یک زبان دچار تغییر و تحول شود، بسیار بالاتر از دیگر مشخصه‌ها است. درباره مشخصه زمان به استثنای زمان آینده، وضعیت برعکس است به این مفهوم که تغییر و تحول در مشخصه زمان بر اثر تأثیر از یک زبان کمتر رخ می‌دهد. از آنجاکه هم زمان آینده و هم وجه امری در مقایسه با دیگر زمان‌ها و وجوه دستوری نشان‌دار محسوب می‌شوند، براین اساس بعید نیست که ساخت امری آینده‌آینده‌آینده‌ای در نتیجه تأثیر زبان فارسی بر آن، به تدریج مهجور شده و با امری حال جایگزین بشود. این جایگزینی موردی بود که در هنگام گردآوری داده‌ها در گفتار برخی از گویشوران آینه‌ای مشاهده می‌شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. آبوندولو (Abondolo, 2006: 29, 530) برای زبان نینتس (Nenets) از زبان‌های شاخه سامویدی (Samoyedic) خانواده اورالی تا شانزده وجه برشمرده است.

۲. غلامی (۱۳۸۹: ۲۲۰-۲۲۴) براساس سه معیار ساختاری، رفتاری (شامل دو معیار صرفی/تصریفی و معیار نحوی/توزیعی) و بسامد کاربرد درباره امری زبان فارسی چنین گفته است: گرچه براساس معیار ساختاری به علت صورت ساده‌تر فعل امری که صرفاً از ستاک حال فعل ساخته می‌شود، وجه امری بی‌نشان‌ترین وجه فارسی است؛ ولی از لحاظ دو معیار تصریفی چون دارای کمترین تمایز است، یعنی زمان آینده و گذشته و تمایزات نمودی ندارد و بجز دو صورت دوم شخص مفرد و جمع برای دیگر شخص‌ها صرف نمی‌شود و محدودیت کاربرد کمتری دارد نشان‌دارترین وجه است. از لحاظ بسامد کاربرد نیز با ۱.۳ درصد بسامد همراه با وجه دعایی نشان‌دارترین وجه‌ها است. فانتین (۲۰۱۰: ۶) نیز در بررسی زبان یونانی عهد جدید اشاره کرده که از مجموع ۱۹۱۶۷ فعل خودایستا، تعداد ۱۶۳۳ فعل یعنی ۸.۵ درصد افعال امری‌اند که نشانه بسامد کمتر امری‌ها است.

۳. صورت سوم شخص اگرچه همه‌جا بسامد بیشتری نسبت به صورت دوم شخص دارد ولی در وجه امری این موضوع برعکس است و دوم شخص بسامد بالاتری دارد. همچنین در زبان‌ها

- (از جمله زبان لاتین) غالباً صیغه سوم شخص به وسیله یک نشانه تصریفی آشکار تظاهر می‌یابد ولی صیغه دوم شخص غالباً فاقد نشانه تصریفی است (Haspelmath and Sims, 2010: 271).
۴. تصریف فعل در زبان‌های مختلف هندواروپایی در مواردی با هم تفاوت زیادی دارد. برخی زبان‌ها دارای نظام صرفی فعلی بسیار گسترده و پیچیده‌ای هستند مانند سنسکریت و یونانی و لاتین؛ و برخی فاقد این پیچیدگی‌ها هستند مانند هیتی و زبان‌های ژرمنی. در نظام فعل زبان‌های دسته اول چهار تا پنج وجه دیده می‌شود، ولی در نظام فعلی زبان‌های دسته دوم صرفاً دو وجه. بر همین اساس درباره بازسازی و تعداد وجوه دستوری زبان هندواروپایی آغازین نظرات متفاوتی بیان شده است. بعضی مانند سِمرِنی (Szemerényi, 1996: 231)، فورتسان (Fortson, 2004: 83) و بالدی (Baldi, 2009: 41-42) معتقدند زبان هندواروپایی آغازین چهار وجه اخباری، امری، التزامی (که برای آینده هم به کار می‌رود) و تمنّایی/خواستاری (آرزو) داشته است، اگرچه مالوری و آدامز (Mallory and Adams, 2006: 63) این چهار وجه را اخباری، امری، انشایی و تمنّایی/خواستاری دانسته‌اند. ولی برخی دیگر از جمله بیکس (Beekes, 2011: 273-277) و کاپوویچ (Kapović, 2017: 91) برای هندواروپایی آغازین پنج وجه اخباری، انشایی، التزامی، تمنّایی و امری قائل‌اند. این وجوه به صورت یکدست به همه زبان‌های دختر هندواروپایی آغازین نرسیده‌اند. در حالی که در محافظه‌کارترین زبان‌های هندواروپایی مانند سنسکریت، اوستایی و یونانی (که دارای نظام پیچیده و گسترده‌تری از تصریف فعل بوده‌اند) این چهار یا پنج وجه باقی مانده‌اند ولی در زبان‌های شاخه آتاتولیایی فقط دو تمایز اخباری و امری دیده می‌شود. در بیشتر زبان‌های هندواروپایی حداقل بین سه وجه دستوری اخباری، التزامی و امری فرق گذاشته می‌شود.
۵. در برخی منابع جدیدتر زبان‌های «اُسکی» (Oscan)، «اومبریایی» (Umbrian) و «سلبیتری» (Celbiterian) را نیز به این مجموعه اضافه کرده‌اند.
۶. توضیحات بین سطری جمله مذکور از نگارنده مقاله حاضر است.
۷. توضیحات بین سطری دو جمله مذکور را نگارنده مقاله حاضر انجام داده است.
۸. این بازسازی را ظاهراً اولین بار گدیکه (Gaedicke) در سال ۱۸۸۲ مطرح کرده است.
۹. در متن اصلی فقط حرف‌نویسی <L' γwyz'yð k'm> ارائه شده است. واج‌نویسی و توضیحات بین سطری از نگارنده مقاله حاضر است.
۱۰. آبا یف (۱۹۶۴) تماماً از خط سیریلی استفاده کرده است، به همین دلیل مثال‌های او در این مقاله به خط آوانگار بین‌المللی برگردانده شده است. چون درباره نظام واجی آسی نظرات متفاوتی ارائه شده است، نگارنده این مقاله برای رعایت یکدستی از شیوه هتیچ (Hettich, 2002) استفاده کرده است. به همین دلیل واج‌نویسی‌های کلمات آسی در این مقاله گهگاه با منابعی که به آنها

امری آینده، ساختی نادر در زبان‌های ایرانی ۱۹

ارجاع داده می‌شود متفاوت است. ضمناً توضیحات بین سطری و نیز تقطیع تکواژی مثال‌های آبیاف را نگارنده مقاله حاضر انجام داده است.

کتاب‌نامه

غلامی، محبوبه (۱۳۸۹) «نشان‌داری رده‌شناختی در زبان فارسی»، مجله دستور، پیاپی ۶، صص ۲۰۸-۲۳۶.

قریب، بدرالزمان (۱۳۷۲) «نظام فعل در زبان سغدی»، مجله زبانشناسی، پیاپی ۱۹، ۱-۵۴.

- Abaev, V. I., (1964), *A Grammatical Sketch of Ossetic*, Bloomington/The Hague.
- Abondolo, D., (2006), *The Uralic Languages*, London and New York: Routledge.
- Aikhenvald, A. Y., (2010), *Imperatives and Commands*, Oxford: Oxford University Press.
- Baldi, P., (2009), "Indo-European Languages", *The World's Major Languages* (second edition), Bernard Comrie (ed.), London and New York: Routledge.
- Beekes, R. S. B., (2011), *Comparative Indo-European Linguistics, An Introduction*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Benveniste, E., (1959), *Études sur la Langue Ossète*, Paris: C. Klincksieck.
- Booij, G., (2007), *The Grammar of Words: An Introduction to Linguistic Morphology*, New York: Oxford University Press.
- Burrow, T., (1955), *The Sanskrit Language*, London: Faber and Faber.
- Bussmann, H., (1996), *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*, London and New YORK: Routledge.
- Cardona, G., (2003), "Sanskrit", *The Indo-Aryan Languages*, Cardona, G., and Jain, D. (eds.), Routledge, pp. 386-428.
- Daniel, M., and Lander, Y., (2011), The Caucasian Languages, *The Languages and Linguistics of Europe*, Kortmann B., and van der Auwera, J., (ed.), pp. 125-157.
- Dasgupta, P., (2003), "Bangla", *The Indo-Aryan Languages*, Cardona, G., and Jain, D. (eds.), Routledge, pp. 386-428.
- Fantin, J. D. (2010) *The Greek Imperative Mood in the New Testament: A Cognitive and Communicative Approach*, New York: Peter Lang Publishing.
- Fortson IV, B. W., (2004), *Indo-European Language and Culture: An Introduction*, MA/Oxford/Victoria: Blackwell Publishing.
- Gershevitch, I., (1954), *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford: Basil Blackwell.
- Gusev, V. Yu. (2005), *Tipologiya spetsializirovannyh glagolnyh form imperativa*. Unpublished doctoral dissertation (Russian - kandidatskaya). Moscow.
- Haspelmath, M. and Sims, A. (2010) *Understanding Morphology*, London: Hodder Education.

- Hettich, B. G., (2002), *Ossetian: Revisiting Inflectional Morphology*, M.A.S Thesis, University of North Dakota.
- Job, M. and Schäfer, R., (2009), 'Ossetic', *Concise Encyclopaedia of Languages of the World*, Brown, K. and Ogilvie, S. (ed.), Oxford: Elsevier, pp. 812-818.
- Kapović, M., (2017), "Proto-Indo-European Morphology", *The Indo-European Languages*, London and New York, pp. 61-110.
- Klaiman, M. H., (2009), 'Bengali', *The World's Major Languages*, Bernard Comrie (ed.), London and New York: Routledge, pp. 417-436
- Lecoq, P. (1974) "Le Dialecte d'Abyāne", *Studia Iranica* 3, pp. 51-63.
- Lecoq, P. (2002) *Recherches sur les Dialectes Kermaniens (Iran Central)*, *Acta Iranica* 39, Leuven.
- Lyons, J., (1977), *Semantics*, vol. 2, Cambridge: Cambridge University Press.
- Mallory, J. P. and Adams, D. Q., (2006), *The Oxford Introduction to Proto-Indo-European and the Proto-Indo-European World*, Oxford: Oxford University Press.
- Masica, C., (1991), *The Indo-Aryan Languages*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Matras, Y., (2007). "The borrowability of structural features", *Grammatical Borrowing in Cross-Linguistic Perspective*, Matras, Y. & Sakel, J. (eds), Berlin: Mouton de Gruyter, pp. 31-73.
- Mithun, M., (1999), *The Languages of Native North America*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R., (1999) "Mood and Modality: Basic Principles", *Concise Encyclopedia of Grammatical Categories*, Brown, K., and Miller, J. (eds.), Elsevier.
- Quirk, R., Greenbaum, S., Leech, G. & Svartvik, J (1985), *A Comprehensive Grammar of the English Language*, London and New York: Longman.
- Sadock, J. M. and Zwicky, A. M. (1985), "Speech Act Distinction in Syntax", *Language Typology and Syntactic Description*, vol. 1, Shopen, T. (ed.), Cambridge UK: Cambridge UP.
- Sapir, E., (1922), "The Takelma Language of Southwestern Oregon", *HAIL* 2, pp. 1-296.
- Sihler, A., L., (1995), *New Comparative Grammar of Greek and Latin*, New York Oxford: Oxford University Press.
- Szemerényi, O. J. L., (1953), 'The Future Imperative of Indo-European', *Revue Belge de Philologie et d'Histoire*, pp. 937-954.
- Szemerényi, O. J. L., (1996), *Introduction to Indo-European Linguistics*, Oxford: Oxford University Press.
- Thordarson, F., (1989), "Ossetic", *Compendium Linguarum Iranicarum*, R. Schmitt (ed.), Wiesbaden: pp. 456-479.
- Velupillai, V. (2012). *An Introduction to Linguistic Typology*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Verma, S., (2003), "Magahi", *The Indo-Aryan Languages*, Cardona, G., and Jain, D. (eds.), Routledge, pp. 547-565.

- Verma, M. K., (2003), "Bhojpuri", *The Indo-Aryan Languages*, Cardona, G., and Jain, D. (eds.), Routledge, pp. 566-589.
- Vydrin, A., (2013), 'Ossetic Verb - Iranian Origin and Contact Influence', 46th Annual Meeting of the Societas Linguistica Europaea, 18 – 21 September 2013, Split University, Croatia, pp. 1-9.
- Wallace, R., (2017), "Italic", *The Indo-European Languages*, London and New York, pp. 317-351.
- Watkins, C., (1963), "Preliminaries to a Historical and Comparative Analysis of the Syntax of the Old Irish Verb", *Celtica 6*, pp. 1-49.
- West, B., (1980), *Gramatica popular del tucano*. Bogotá: Instituto Lingüístico de Verano.
- Whaley, L. J., (1997), *Introduction to Typology: The Unity and Diversity of Language*, Thousand Oaks CA: Sage Publications.
- Whitney, W. D., (2003 [1896]), *Sanskrit Grammar*, Dover Publications.
- Yadav, R., (2003), "Maithili", *The Indo-Aryan Languages*, Cardona, G., and Jain, D. (eds.), Routledge, pp. 523-546.
- Yoshida, Y., (2009), "Sogdian", *The Iranian Languages*, Gernot Windfuhr (ed.), London and New York: Routledge, pp. 279-335.

